

م. ع. اطرافي

حمله برمخفيگاه و مرگ بن لادن حاميان تروريزم را وحشت زده ساخته است

اعلام مرگ اسامه بن لادن حقايق پشت پرده جبهه تروريزم را برملا ساخت. باهمه ساخت و پافت و انكار پاكستان در مورد پرورش، تربيه، پناه دادن، تجهيز، تمويل و صدور تروريزم به افغانستان، هندوستان، روسيه و ساير كشورهاي جهان، دولت مردان پاكستان باحيله و نيرنگ توانسته بودند با اعلام همكاري و مبارزه برضد تروريزم، جهانيان بخصوص ايالات متحده امريكا و نا تو را اغوا و فريب بدهند. و از امريكا مليارد ها دالر كمك بخاطر مبارزه با تروريزم طي سالهاي گذشته دريافت كرد و آنرا در جهت تربيه، تمويل و تجهيز تروريزم عليه افغانستان، عساكر امريكا و ناتو بكار برد و خسارات هنگفت و تلفات مزيد انساني را بر افغانستان عساكر امريكا، ايساف و ناتو تحميل كرد. قرار اظهارات بعضي تحليل گران و نشرات انترنيتي و اعلاميه سخنگوي دولت چين، ادعا شده است كه چين بطور عريان با سياست رياء كاري و دو رويي پاكستان هم آهنگي نشان داده برنامه هاي وسيع تروريستي پاكستان را نادیده گرفته علناً حمايت اش را از پاكستان اعلام داشت. در حاليكه همه جهانيان ميدانند كه پاكستان مركز، مخفي گاه، پناه گاه و پرورشگاه تروريزم جهاني ميباشد كه در جبهه مقدم دفاع و مبارزه با تروريزم افغانستان و هند قرار دارند كه شبكات تروريستي در پاكستان اين دو كشور همسايه را كشتارگاه خود ساخته اند كه كشور پاكستان و اخيراً چين از آن انكار مينمايند. تا امريكا و ناتو را در افغانستان از طريق تروريزم شكست بدهند و جنگ هارا در دوطرف خط ديورند و كشمير دوامدار بسازند و از آن بهره برداري هاي سياسي، نظامي و اقتصادي نمايند. اين انكشافات جديد اوضاع و بحران امنيتي منطقه را پيچيده تر و مغلق تر ساخته است. كشف مخفي گاه و اعلام مرگ بن لادن توسط كوماندهو هاي امريكا در شهر ك اببت آباد پاكستان بر روابط ديرينه و كمك هاي مليارد دلري امريكا به پاكستان ساپه افكنده است. پاكستان بلا فاصله تغير موضع داد و به حمايت چين متوصل گرديد. چين پاكستان را با

همه زد و بند ها و شبكات ترورستي اش در آغوش گرفت و حمايت علني و رسمي خود را از پاکستان اعلام نمود. تغير موضع پاکستان اوضاع منطقه را در بحران عميق با خود فرو برده. زيرا پاکستان بحيت مهره اساسي در بازي هاي ستراتيژيك منطقه و جهان با داشتن بم هاي ذره وي و شبكات وسيع ترورستي بين قدرتهاي منطقوي و جهاني نقش خود را تمثيل وايفا ميكرد و از هرجانب زیدخل كمك و جزیه میگرفت. جنگ تروريزم ائتلافي و ضد تروريزم در افغانستان ثابت ساخت كه ابر قدرت هاي جهان در برابر جنگهاي چريكي، گوريلايي و ائتلاف ترورستي آسيب پذير ميباشند و اين كارت را ميتوانند عليه يكديگر هم بازي كنند اگر پاکستان و تروريزم را در كنار خود داشته باشند. بنا بر اين پاکستان در معادلات قدرت هاي منطقوي و جهاني نقش تعين كننده خود را ماهرانه بازي كرد و ميكند و در كشمكش ها و بحرانهاي منطقوي و جهاني كه به تروريزم ارتباط ميگيرد دست بالا را دارد. تروريزم براي پاکستان به حيت گاو شيري و يك منبع بزرگ اقتصادي و عايداتي تبديل گرديده است. از طريق تروريزم پاکستان مواد مخدر را قاچاق نموده سنگهاي قيمتي و احجار كريمه و ساير معادن قابل استخراج افغانستان را به يغما ميبرد. از كشور هاي عربي و اسلامي به بهانه جهاد مليون ها دالركمك دريافت مينمايد. از امريكا مليارد ها دالر به بهانه مبارزه با تروريزم كمك هاي نقدي دريافت مينمايد. همچنان از رقباي امريكا در منطقه و جهان به بهانه جهاد با امريكا و ناتو نيز مخفيانه كمك دريافت مي دارد. تا پاکستان است تروريزم خواهد بود. تا تروريزم است صلح و ثبات در افغانستان و منطقه اعاده نخواهد شد. بادر نظر داشت انكشافات اخير، جنگ تروريزم و ضد تروريزم جهان امروز را احتمالاً به دو قطب جنگ سرد جديد بار ديگر تقسيم خواهد كرد كه علايم آن در عمل بمشاهده ميرسد. اينبار محور جنگ سرد بين چين و امريكا در حال شكل گرفتن است. زيرا اين بار اول است كه چين حمايت اش را از پاکستان عليه امريكا و از تروريزم پاكستاني عليه افغانستان، هند، ناتو و آيساف بدون قيد و شرط علني و رسمي اعلام مينمايد كه با ديپلوماسي هاي خارجي و قبلي چين تفاوت دارد. در ظاهر امر در جناح تروريزم،

چین پاکستان و سایر کشور های حامی تروریسم قرار گرفته اند و در جناح ضد تروریسم، امریکا کشور های که تحت حملات تروریسم قرار دارند چون افغانستان، هندوستان، روسیه و بعضی کشور های دیگر میباشند. تروریسم ائتلافی بحیث یک قدرت نظامی چریکی و انتحاری مبدل شده و با بزرگترین قدرت نظامی جهان، امریکا و ناتو میجنگد و جنگ با تروریسم را به بن بست کشانیده است. بیم آن میرود که پاکستان و تروریسم بین قدرت های غرب و شرق دست به دست شود و از این وسیله و بازی های سیاسی و نظامی علیه یکدیگر، علیه افغانستان، هند و سایر کشور ها استفاد نمایند، منطقه و جهان را به ادامه جنگ ها و نا امنی های دایمی بکشانند. زیرا قدرت های جهانی جرئت جنگهای مستقیم و جبهه ای را علیه یکدیگر ندارند، عواقب و خطرات آنرا هم بهتر میدانند. **تروریسم بحیث یگانه چاره و بدیل برای قدرتهای جهانی باقی میماند که علیه یکدیگر و یا تسخیر منابع جدید اقتصادی در جهان از آن استفاده خواهند کرد.** بازیهای ترورستی که در صحنه عمل در داخل افغانستان و در ماورای سرحدات افغانستان تمثیل میشود مؤید این حقیقت است که پاکستان و تروریسم دشمنان حیلہ گر و قسم خورده صلح و آرامش در افغانستان و منطقه میباشند که چهره های شانرا تحت نقاب دین و شریعت پنهان کرده اند و مردم خوش باور ما را تحت شعار های شریعت فریب داده و میدهند. و از جانب دیگر مردم مظلوم ما را توسط ترورستان تربیه شده و مغز شویی شده و انتحاری به قتل میرسانند و زمینه آنرا فراهم ساخته اند که مردم ما در سه جبهه، تروریسم، ضد تروریسم و فیر های به اصطلاح دوستانه (FRIENDLY FIRE) کشته میشوند. تجارب چند دهه اخیر مبین این حقیقت است که هر قاتل، جنایت کار، اجنت و جاسوسان خارجی که نقاب و قیاء اسلامی در برکنند و ریش بمانند و در صف اول نماز گذاران ایستاده شوند با تأسف که با وصف جنایات شان نزد مردم خوش باور ما از مصئونیت عام و تام برخوردار میشوند. آنها توانسته اند با چنین چالها و نیرنگها یکعده مردم ما را فریب داده و به راه های غلط سوق و هدایت نموده اند که بر ضد صلح، امنیت و منافع افغانستان از آنها استفاده های سوء شده و

میشود. روی همین برداشت‌ها شبکات استخبارات منطوقوی و جهانی هم امروز اجنت‌های خود را نقاب و قبای اسلامی میپوشانند تا دولت و مردم بالای آنها مشتبه نشوند و هویت اصلی آنها برملا نشود. نفوذ اجنت‌های پاکستان در دولت افغانستان کشور ما را در خلای دوستان ستراتیژیک کشانیده بود. مرگ بن لادن سبب شد که چهره اصلی دولت پاکستان برملا شود و افغانستان روابط ستراتیژیک خود را با دوستان ستراتیژیک سابقه خود دوباره احیا نماید. سفر اخیر صدر اعظم هندوستان به کابل و اعلامیه مشترک هر دو کشور دوست نمایانگر همین حقیقت است که هر دو کشور صلحدوست مناسبات تاریخی و ستراتیژیک شان را بار دیگر قانون مند ساختند و متعهد شدند که برای تأمین صلح در منطقه و جهان و بر ضد تروریسم به مساعی مشترک شان ادامه خواهند داد. جناب صدر اعظم هندوستان از کمک‌های پنجصد میلیون دلاری هند به افغانستان به جناب رئیس‌جمهور افغانستان اطمینان داد که در زیربنای اقتصادی، دستگاه‌های تولید برق، صنایع و دیگر بخشها مطابق خواست دولت افغانستان مصرف خواهد شد که با منافع ملی افغانستان توافق و تطابق کامل دارد. هر دو جانب اصرار ورزیدند که قضایای منطقه و جهان از طریق گفتگوهای سیاسی و دوستانه و مسالمت‌آمیز و عدم مداخله در امور یکدیگر حل و فصل شود نه از طریق جنگ و صدور تروریسم. مشکل اساسی و امنیتی منطقه ما را تروریسم تشکیل میدهد که مرکز و پایگاه‌های آن در پاکستان قرار دارد که از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان و حامیان ستراتیژیک آن کمک، حمایت و رهبری میشود. افغانستان و هند در صف اول دفاع و مبارزه با تروریسم صادر شده از پاکستان قرار دارند که امنیت هر دو کشور ما را بمخاطره انداخته است. **نباید اجازه بدهیم که پاکستان روی احساسات عقیده‌وی مردم ما را بار دیگر فریب بدهد و افغانستان را بحیث سپر دفاعی پاکستان علیه امریکا که اخیراً پاکستان را بحیث دشمن اعلام داشته است استعمال نماید.** بلکه ما باید از انکشافات و جریانات فعلی به نفع صلح، به نفع کشور و مصالح ملی خود استفاده نماییم. حال این سوال مطرح میشود که افغانستان در این دو قطب جنگ سرد در

کنار کدام قطب باید ایستاده شود؟ در قطب تروریزم، پاکستان و چین و یا در قطب ضد تروریزم، امریکا، هندوستان و احتمالاً روسیه اگر این صف بندیها در واقعیت امر و در عمل تشکل و ادامه پیدا کند. روابط پاکستان و افغانستان از تاریخ تولد نامشروع پاکستان تا امروز خصمانه بوده و هست. پاکستان بدون تروریزم به بقای خود ادامه داده نمیتواند این دشمنی ها تا پاکستان است ادامه خواهد یافت. اما با هندوستان ما دوستی بی شایبه و صمیمانه داشتیم و خواهیم داشت. ما نباید دوستان ستراتیژیک سابقه خود را با دشمنان دوست نما و دوستان نا آزموده معاوضه کنیم..

ما باید یک ترسیم درست از امریکا و چین داشته باشیم تا در جبهه گیری خود اشتباه نکنیم. سیاست خارجی امریکا روی حاکمیت سیاسی و نظامی در جهان طرح ریزی شده است. دولت های دست نشانده و ایجاد پایگاههای نظامی در مناطق مختلف جهان از اهداف ستراتیژیک امریکا بشمار میآید که با مصالح و منافع سایر کشورهای جهان در تضاد قرار دارد. منافع آزمندانه اقتصادی خود را از طریق همین دو هدف بدست میآورد. در حالیکه مصارف هنگفت مالی و اقتصادی را بخاطر تمویل این دوهدف فوق بدوش میکشد. مردم جهان از چنین برخورد امریکا ناراض هستند و امریکا مقام معنوی، بزرگی و رهبری خود را در اذهان مردمان جهان به پایین ترین حد تنزل داده است. اما چین مانند امریکا تا هنوز بلند پروازی نمیکند و بخاطر تحکیم حاکمیت اقتصادی خود آرام آرام در جهان کار میکند که با منافع سایر کشورها نیز هم آهنگی دارد و مصارف اضافی سیاسی و نظامی را هم بدوش حمل نمیکند. بنابراین چین در موقعیت بهتر اقتصاد رشد یابنده نسبت به امریکا در جهان قرار دارد. بمقایسه چین، امریکا روزتا روز در جهان به انزوا میرود و مصارف سیاسی و نظامی خود را پرداخته نمیتواند به ناچار پایگاههای نظامی خود را در آینده ها یکی پی دیگری مسدود خواهد ساخت. زیرا از این سلاح سیاسی و نظامی خود در آینده حسب مطلوب هیچ استفاده کرده نمیتواند. جنگ با تروریزم در افغانستان و قیام ها و انقلاب های شرق میانه و شمال آفریقا علیه دولت های مستبد و دنباله رو امریکا شاهد این مدعا

میباشد. اگر امریکا مستقیماً مداخله کند با عکس العمل و مقاومت وسیع مردم مواجه می‌گردد. در جبهه اقتصادی هم با چین و سایر قدرت های اقتصادی جهان رقابت کرده نمیتواند. بازار خرید و فروش جهان را در مقابل رقبای اقتصادی خود از دست داده و میدهد. تجارت بین المنطوقی بیشتر رونق پیدا کرده و میکند و جای تجارت بین القاره ای را اشغال مینماید. استفاده از فشار و زور، مداخله در امور سایر کشور ها و تحمیل سیاست يك بام و دو هوا و تحریم های اقتصادی، امریکارا بیشتر در سطح جهان منزوی ساخته و میسازد

اما حمایت بی چون و چرای چین از پاکستان و نادیده گرفتن مداخلات و صدور تروریزم از پاکستان به افغانستان و هند موجب تشویش و نگرانی عمیق افغانستان و هند شده است. که افغانستان را در يك موقعیت حساس و دوراهی قرار داده است.

سوال اساسی دوم که مطرح بحث میباشد اینست که افغانستان بعد از خروج عساکر خارجی از افغانستان اگر صورت بگیرد چه نوع سیاست خارجی را در پیش بگیرد؟ تا دوستان ستراتیژیک سابقه خود را دوباره جذب نماید و اردوی افغانستان را از لحاظ دفاعی به پای خود ایستاده نمایند تا از مداخلات و گزند مخالفین و دشمنان خارجی در امان گردد. ترکیب نا متجانس اعضای دولت آقای کرزی ستراتیژی ملی سیاست خارجی افغانستان را به چالش کشانیده است که باید متوجه آن بود تا اشتباهات گذشته بار دیگر تکرار نشود و افغانستان را در انزوا نکشاند که آنرا در آینده جبران کرده نتواند و کفاره آنرا مردم افغانستان بپردازند.

با در نظر داشت انکشافات، تغییرات و ابهامات در اوضاع منطقه و جهان باید افغانستان از خود يك ستراتیژی ملی در طرح سیاست و پالیسی های خارجی خود داشته باشد که مطابق آن دولت های افغانستان عمل نماید. باید استادان علوم سیاسی، سیاست مداران ورزیده و اهل نظر افغان، کار شناسان ماهر سیاسی، حقوق و قانون دانان مسایل بین المللی گرد هم جمع شوند و ستراتیژی ملی سیاست خارجی افغانستان را در معرض مذاقه،

مباحثه، مناظره و مطالعه قرار بدهند و طرح های ارزشمند و سالم را جمع بندی نموده
بحیث اصول سیاست خارجی افغانستان تدوین و تصویب نمایند و به دولت و پارلمان
افغانستان غرض اخذ تصمیم نهایی وقانونی ارائه نمایند تا افغانستان از بلاتکلیفی در
سیاست و دیپلماسی های خارجی خود موفقانه بدر آید. و دولت های افغانستان در آینده
بتوانند دیپلماسی های جا ریه شان را در چوکات ستراتیژی ملی تنظیم نمایند. اگر ما همه
امور را به دولت بگذاریم و خود ما هیچ کاری نکنیم، تنها به انتقاد و دُعا کردن رفع
مسئولیت نماییم اشتباه بزرگ ملی و تاریخی را مرتکب میشویم.

باید اذعان کرد که در برابر کشور و مردم ما چالش ها و مشکلات پیچیده، گوناگون و
عدیده ای وجود دارد که حل آنها بدون همکاری، اشتراک و سهم وسیع و فعال احزاب،
گروه ها و قشر های مختلف جامعه افغانی بعید به نظر میرسد. از فرصت های جدید و
مساعد که در سطح منطقه و جهان ظهور کرده باید حداظم استفاده شود تا با دیپلماسی
فعال و سالم بتوانیم کشور خود را از خون ریزی و دسایس دشمنان نجات بدهیم. از تمام
احزاب سیاسی، گروه ها، جمعیت های قومی، نژادی، سمتی، دینی و مذهبی دعوت میشود
با استفاده از شرایط جدید و سرنوشت ساز در افغانستان، منطقه و جهان در این مقطع
خاص زمان برنامه های ستراتیژیک راست و چپ، مذهبی و سکولار، همه اختلافات و سهل
انگاری ها، بی اعتمادی های شانرا موقتاً برای یک دوره معین در طاق بالا بگذارند و باهم
یکجا و متحد شوند تا افغانستان را از چنگ و مداخله دشمنان افغانستان رها و آزاد نموده
تا صلح، امنیت و حاکمیت ملی در کشور ما مستقر شود. و دشمنان افغانستان نتوانند
گروهک های محدود آشوب گر و وابسته خود را بار دیگر در افغانستان بچنگ بیاندازند و
کشور ما را بعد از خروج عساکر خارجی به انارشی، دشمنی، زد و خورد ها و تجزیه سوق
نمایند. هرزمانیکه صلح و امنیت در افغانستان نهادینه شد و حاکمیت قانون و دموکراسی
در جامعه مستقر گردید، میتوانند برنامه های ستراتیژیک شان را از طاق بالا پایین آورده
بخاطر پیشرفت و ترقی کشور و رفاه و سعادت مردم افغانستان در رقابت های سالم،

سازنده و مسالمت آمیز بایکدیگر با فرهنگ عالی سیاسی مبارزه نمایند و از طریق آراء مردم و انتخابات آزاد، مستقیم، سری و شفاف کسب قدرت نمایند.

افغانستان در سطح جهان به دوستان ستراتژیک صادق و با اعتماد نیاز و ضرورت دارد.

دشمنان افغانستان طی برهات گذشته تلاش نموده اند که مناسبات دوستانه کشور ما را با دوستان بین المللی افغانستان بخصوص با دوستان ستراتژیک افغانستان زهرآلود بسازند و افغانستان را در سطح جهان متهم به تروریسم و منزوی بسازند. محک قضاوت ما در مورد تشخیص دوستان حقیقی، ستراتژیک، با اعتماد و دلسوز افغانستان باید روی معیار های آتی مورد ارزیابی قرارگیرد:

۱. افغانستان را در اعمار زیربنای اقتصادی و ایجاد صنایع تولیدی کمک و یاری نماید.

۲. در اعمار بند های آبی برق و زراعت، حفر و اعمار کانالهای آبیاری و زراعت میکانیزه شده و اعمار دستگاههای تولید برق آبی و حرارتی افغانستان را کمک و یاری نماید.

۳. اردوی افغانستان را در بخش های دفاع زمینی و هوایی با سلاحهای عصری مجهز و آماده بسازد که افغانستان مستقلانه از خود دفاع کرده بتواند.

۴. کدرهای فنی و مسلکی افغان را در بخشهای ملکی و نظامی تربیه نماید.

۵. کمک در سایر بخشها که به پیشرفت و ترقی کشور و تحکیم حاکمیت ملی ما بیانجامد.

هر کشوری که افغانستان را در بخشهای فوق کمک نماید در زمره دوستان ستراتژیک و با اعتبار مردم افغانستان جای خود را اشغال مینمایند. **در این طرحها شاید خالاهای وجود داشته باشد، از هموطنان صاحب نظر امید میرود که خالاهای مذکور را پُر نمایند.**

منظور از این یادآوری ها و پیشنهادها اینست که همه ما افغانها باید متوجه شویم که هر نوع تغییرات که در آینده رخ میدهد و توازن قوا را در افغانستان و منطقه بر هم میزند آمادگی قبلی داشته باشیم که با اتحاد، وحدت و همبستگی ملی با آن مقابله کنیم. کشور و مردم خود را از جنگهای خا نما نسوز و مداخلات دشمنان افغانستان به یاری خداوند متعال و پشتوانه مردم خود مشترکاً دفاع نموده نجات بدهیم. و من الله توفیق. ۲۳ جوزا. ۱۳۹۰

